

## کتاب زبدة الاصول شیخ بهایی (ره)

دکتر سید مهدی امامی

این کتاب در اصول فقه نگاشته شده و در عین ایجاز و اختصار از بهترین متون اصولی است که در این فنّ نوشته شده و نویسنده چیزی از رؤس مطالب اصول فقه را در آن فرونگذارده و به تمام اطراف و جوانب آن پرداخته است. این همان کتاب اعجاز گونه‌ای است که شیخ در پدید آوردن آن با سعدالدین تفتازانی - که در تصنیف متن تهذیب به خود می‌بالید و می‌گفت: «هرکس در آوردن متنی کوتاهتر از این توانا باشد معادل هر کلمه‌ای دوست درهم به وی جایزه دهم» - به رقابت پرداخته و به تألیف زبده مبادرت نموده است و می‌گفت: «اگر تفتازانی در این زمان زنده بود و از این کتاب آگاهی داشت

هزاران درهم به عنوان جایزه به من می‌پرداخت.»

این نویسنده توانا به نوشتن کتاب‌های مفید و مختصر مانند کتاب صمدیه در نحو و خلاصه الحساب در علم ریاضی و مفتاح الفلاح در ادعیه و اذکار بارها اقدام نموده بود. با این همه، کتاب زبدة الاصول نزد اهل فن و سخن‌دانان دقیق و نکته‌سنج و گوهر شناس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از این رو بر آن شدم که برای یادآوری دوستداران فضل و دانش و در اهتمام به چاپ و نشر مجدد آن همراه با شرح و تفسیر مناسب، سخنی کوتاه درباره این کتاب جامع و مختصر مکتوب نمایم. این کتاب را با قطع جیبی در ۱۲۸ صفحه به قلم محمدصادق بن محمدرضا تویسرکانی در ۱۳۱۹ هجری برادران نجفی (کتابفروشی دانش، ناصر خسرو) به قیمت ۴۵ ریال به چاپ رساندند و در صفحه دوم پس از بسم... گوید: روشن‌ترین اصلی که مبنا و اساس هر سخن و گفتار است، و شایسته‌ترین کلمه‌ای که حق را از باطل جدا می‌کند و هر خردمندی از اینکه گوینده آن است به خود می‌بالد، حمد و ثنای کسی است که از ننگ و عار محدودیت و قیاس به دور و از محدوده درک عقل و احساس بیرون است. و درود و سلام بر بالا و والاترین مردم که خداوند او را به رسم هدایت، جهت تبلیغ اوامر و نواهی خود فرستاد. پیامبری که شریف‌ترین و سزاوارترین مردم در شناخت اسرار حقایق الهی است، و بر خاندان گرامیش که احکام حلال و حرام از انوار وجود با برکتشان نشأت گیرد و با ارشادات و روشنگریهایشان مسائل حرام و حلال شناخته شود. پس سلام و صلوات خدا بر ایشان باد مادام که فروع متفرع بر اصول و اجناس منقسم به فصول گردد.

و بعد چنین گوید بنده امیدوار به عفو و بخشش پروردگار، یعنی محمد مشهور به بهاء الدین عاملی که خدای از تقصیراتش بگذرد: برادران دینی این

است آنچه که هدف و انگیزه همه شما متوجه به آن و سعی و تلاش همه رسیدن به اوست و این است آن متنی که فصل فصل آن به دقت تحریر یافته و خلاصه جامع و کاملی را از علم اصول در بردارد. این شما و این هم زبده و فشرده‌ای که به منزله کلید گنجهای گهربار علم اصول است و این است نسخه گرانمایه‌ای که آگاهی بخش رموز این علم است و من با التماس از شما می‌خواهم آن را در دسترس کسی نگذارید مگر اینکه قدر آن را بشناسد و آن را به هیچ دامادی نسپارید مگر آنکه مهریه و صدق گرانمایی برای او قرار دهد و چنانچه به خطا و لغزشی آشکار برخورد نمودید با اصلاح آن بر من منت نهید. اجر و مزدتان با خدا و لاقوة الا بالله. آن گاه گوید: این کتاب را بر پنج منهج مرتب ساختم: منهج اول در مقدمات. منهج دوم در ادله شرعی که نزد ما (شیعه) چهار دلیل است: کتاب، سنت، عقل، اجماع. و اما قیاس در مذهب و طریقه ما نیست و آن را ابطال خواهیم کرد. منهج سوم در مشترکات کتاب و سنت. منهج چهارم در اجتهاد و تقلید. منهج پنجم در ترجیحات. هر منهجی نیز دارای چند مطلب و هر مطلب شامل چند فصل است. به برخی از فصول این کتاب اشاره می‌شود: ۱- در حد یا تعریف علم اصول، ۲- تعریف دلیل، ۳- کلی و جزئی، ۴- ذاتی و عرضی، ۵- تعریف قضیه، ۶- برهان، ۷- اشکال اربعه، ۸- اقسام دلالات، ۹- مشتق، ۱۰- وجوب شکر منعم، ۱۱- واجب کفائی، ۱۲- واجب مخیر، ۱۳- تواتر قرآن، ۱۴- خبر و حدیث، ۱۵- خبر واحد و متواتر، ۱۶- جواز تعبد به خبر واحد، ۱۷- رجال سند حدیث، ۱۸- حجیت اجماع، ۱۹- حجیت اجماع منقول به خبر واحد، ۲۰- عدم دلالت صیغه امر بر وحدت و تکرار، ۲۱- عدم دلالت امر به تنهایی بر فور یا تراخی، ۲۲- اقتضای امر به شیء نهی از ضد را، ۲۳- نهی مفید تحریم، ۲۴- مفید دوام، ۲۵- صیغ عموم- استفهام و

موصول و اسم جنس - حقیقت در عمومند نه خصوص، ۲۶ - اقل مراتب جمع، ۲۷ - تعریف تخصیص، ۲۸ - تخصیص سنت به سنت، ۲۹ - استثناء در منقطع مجاز است نه مشترک لفظی و معنوی، ۳۰ - استثناء مستغرق لغو است، ۳۱ - استثناء در کلام مثبت و منفی، ۳۲ - مجمل و مبین، ۳۳ - مفهوم شرط، ۳۴ - مفهوم صفت، ۳۵ - مفهوم غایت، ۳۶ - جواز نسخ قبل از حضور وقت، ۳۷ - نسخ کتاب و سنت، ۳۸ - احکام صادره از پیامبر (ص) به اجتهاد بوده یا خیر، ۳۹ - مشهور عدم تصویب است.

در پایان به بیان فشرده‌ای از زندگی شیخ مبادرت می‌کنیم: وی در غروب آفتاب روز چهارشنبه هفدهم ذی‌الحجه سال ۹۵۳ در بعلبک چشم به جهان گشود و پدرش در کودکی او را به ایران و اصفهان آورد و تحت مراقبت و تربیت پدر به درجات بالای علمی رسید و منصب شیخ الاسلامی به وی واگذار گردید و وجودش منشأ خدمات بسیاری در حوزه اسلام و مسلمین شد. سپس به سیر و سفر روی آورد و تجربیات ارزشمندی به دست آورد و پس از سی سال به اصفهان بازگشت و در گوشه خلوت به ذکر و عبادت و تألیف و تصنیف و خدمت به مردم پرداخت. گویند وی اهل کشف و کرامت بود: روزی با جمعی از یاران و دوستان به قصد زیارت اهل قبور از منزل بیرون شد و به قبرستان عمومی شهر (تخت فولاد) رفت و مشغول خواندن دعا و فاتحه بود که ندایی به گوشش رسید؛ از همراهان پرسید: شما هم شنیدید؟ گفتند: نه! و از او با اصرار خواستند آنچه را شنیده است برای آنها بگویند. گفت: به من هشدار دادند که آماده مرگ باشم و باگریه و زاری روانه خانه شد و شش ماه بعد روز دوازدهم شوال ۱۰۳۱ از دنیا رفت. تشییع باشکوهی از وی بعمل آمد، جنازه او را به خراسان حمل و در کنار قبر مولایش امام هشتم علی بن موسی الرضا علیهم السلام به خاک سپردند و

زیارتگاه عموم مسلمانان به ویژه اهل دل است. عاش سعیداً و مات سعیداً. گویند ندایی که از سوی قبر عارف معروف بابا رکن‌الدین به گوش وی رسید این بود: «شیخنا در فکر خود باش» اللهم احینا حیوة محمد و آل محمد و امتنا مماتهم، و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

### منابع

- ۱ - الذریعه الی تصانیف الشیعه، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۲، ص ۱۹.
- ۲ - سفینه البحار، مرحوم محدث قمی، ج ۱، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.
- ۳ - مقدمه کتاب زبدة الاصول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی